



فقہائے افغانستان

بقلم جناب قاری عبداللہ خان

خلف ابن عبدالرحمن :

ابوالمظفر خلف ابن عبدالرحمن ابن احمد ابن مکی از اهالی خوارزم است در مرو از ابوالفضل عبدالرحمن کرمانی تحصیل فقہ نمود در سفر حج در سالہای (۵۶۰ یا ۵۶۴) بغداد رفتہ و در آنجا بدرس گفتن حدیث اشتغال ورزیدہ دارای کثرت نکات و فوائد علمی بودہ . تولدش در خوارزم در (۵۰۴) واقع شد - ولی وفاتش معلوم نیست .

خلف ابن ایوب : خلف ابن ایوب عامری بلخی از اصحاب امام محمد (۲)

۱ ابوالفضل عبدالرحمن ابن محمد کرمانی مروزی از ائمہ فقہای حنفی در خراسان بشمار ۱۰۰ و مرجع فقہادر عصر خود بودہ تا آنکہ در مرو نوای تقدم بر فراشت و دولت قبول عموم در یافت . « جامع کبیر » نام کتابی « سوی جامع کبیر امام محمد است » « و تجرید » در فقہ و شرح آن ایضاح در سہ جلد از آنرا است . ولادتش در کرمان ۱۵۷ و وفاتش در مرو بہاء ذی القعد سنہ ۵۴۳ بودہ - فواید بہیہ - ص - ۹۲ - جوامع مضیہ ج - ۱ - ص - ۳۰۴ .

۲ - امام محمد ابن حسن شیبانی شاگرد امام اعظم اصلش از دمشق و مولدش واسط و نشو و نماش در کوفہ و مدفنش در ری واقع شدہ . از امام مالک و ابو یوسف و سفیان ثوری وغیرہ علم حدیث فرا گرفت امام شافعی از و روایت کردہ . امام محمد سی ہزار درہم میراث پدر خود را در راه تحصیل حدیث و فقہ و نحو و شعر خرج نمود در علم قرآن و عربیت و نحو و حساب مہارتی بکمال داشت دارای تصنیفات عدیدہ است چنانکہ نہصدو نود کتاب از تصنیفات او می شمرند کہ ہمہ در علوم دین بودہ مانند مبسوط و جامع الصغیر و جامع الکبیر و زیادات وغیرہ . در فصاحت و عقل و سبک و سخی نظیر نداشت .

ولادت امام محمد در واسط « ۱۳۲ » و وفات او در ری در « ۱۸۹ » بعمر « ۵۸ » روی داد . و بقول صاحب سفینہ در چاردهم جمادی الاخری وفات کردہ . فواید بہیہ ص ۱۶۳ - سمعانی ورق « ۲۴۲ »

وامام زفر (۱) است و از امام ابو یوسف (۲) نیز تحصیل فقه نموده و مدتی با ابراهیم ادم صحبت داشت و طریق زهد را از او فرا گرفت. ابو عیسیای ترمذی در جامع خود حدیثی از او روایت نموده ولی آنرا غریب گفته. خلف در سلسله روایات نیز ذکر شده. وفات او را تقریباً تهذیب در (۲۱۵) و جواهر مضیه ۲۰۵ و ۲۱۵ و ۲۲۰ نکاشته ولی فوائد بهیه و فائش را با صحیح احوال (۲۰۵) میدانند.

خلف ابن ابو الفتح :

خلف ابن ابو الفتح ابن خلف ابن ابو القاسم مقری نواسه خلف فقیه باخنی مذکور است دارای کیاست و حسن اخلاق بوده قرآن نیکو می خواند و اشعار بسیاری یاد داشت. بیشتر چیزی از احوال او معلوم نشد. سعید ابن یوسف :

سعید ابن یوسف قاضی حنفی نزیل بلخ در بخارا از قاضی عبدالعزیز ابن عمرو قاضی بکر (۳) ابن محمد ابن علی ابن فضل زرنجری و امام ابوالمعین (۴) میمون

۱- امام زفر ابن هذیل مضری در شاگردان امام اعظم از همه بیشتر صاحب رای بود امام اعظم بسیار او را بنظر تعظیم میدید و در مجلس او از همه بالاتر جاداشت گویند در صالطه با او ابو یوسف مضطرب میگردد. عالم عابد و پرهیزگار بود و از قبول قضا ابا آورد و بدین جهت مشقت بسیار دید چنانکه دو بار خانه اش را ویران کردند. امام زفر نخست از اصحاب حدیث بود بعد از آن میل بقیاس و رای نمود ولادت او ۱۱۰ و وفاتش در ۱۵۸ اتفاق افتاد. فوائد بهیه ۷۵ - ۷۶.

۲- امام ابو یوسف یعقوب نام داشت پسر ابراهیم ابن حبيب در شاگرد های امام اعظم بر همه مقدم و نخستین شخص است که قاضی القضاة گشته و لباس مخصوصی برای علما تجویز کرده و کتب را بدهب امام ترتیب و فقه حق را در قلمرو اسلام رواج داده. در عهد سه خلیفه مهدی، هادی و رشید بر مسند قضا قیام داشت و تا آخر حیات بر همین شغل دوام ورزید. کتاب الخراج و امالی و نوادر از تالیفات اوست. کتاب الخراج خیلی نفیس و مفید و از تعریف مستفی است. امام ابو یوسف و امام محمد هر دو را صاحبین میگویند. وفات او یوسف بقول صحیح در ۱۹۲ هجری پیش از وفات هارون رشید واقع شد و ماه وفات او بقول صاحب سفینه بیست و هفتم رجب بود.

۳- قاضی بکر ابو الفضال زرنجری له ابو الفضال کنیت و شمس الائمة لقب داشته شاگرد شمس الائمة حلوی است. در حفظ مذهب امام اعظم و براءت در فقه و امامت در ذلوا و جواب وقایع معرفت انصاب و تواریخ تخصصی بنام داشت. در حفظ روایت به حدی بود که بدون مطالعه و رجوع به کتاب درس میگفت. جواهر مضیه - ج - ۱ ص - ۱۷۲

(۴) اجداد میمون هم دارای فضل و مشهورند بمکحولی از خود میمون نیز آثاری ذکر میکنند مانند (تبصرة الاله) و التمهید لقواعد التوحید)

مکحولی نسفی و ابوبکر (۱) محمد ابن حسن ابن منصور نسفی سمع حدیث نموده .
 از شیوخ صاحب هدایه است و او را اجازه عام داده و صاحب هدایه حدیثی
 بسند او روایت کرده . وفات سعید معلوم نشد ولی وفات قاضی بکر که یکی از شیوخ چهار
 کانه اوست بقول جواهر مضیه در ۵۱۲ بوده . شاید سعید تا این سنه یا چیزی پست در قید
 حیات بوده باشد :

داود ابن رشید :

داود ابن رشید خوارزمی از اصحاب امام محمد و حفص (۲) ابن غیاث است
 در بغداد سکونت گزید اکثر ائمه حدیث مانند مسلم و ابو داود و ابن ماجه و
 نسائی از او روایت کرده اند . بخاری نیز حدیثی بواسطه از او روایت کرده . ثقه
 است . وفات داود در سنه ۲۳۰ اتفاق افتاد .

سیار ابن یحیی :

سیار ابن یحیی ابن محمد ابن ادریس ابو عمر و هر وی در بخارا سمع حدیث نموده . وفات
 سیار ۴۳۱ بوده .

رتال جامع علوم انسانی

شقیق بلخی :

شقیق ابن ابراهیم ابو علی بلخی رح از قدمای مشائخ و فقهای بلخ است بقول بعضی
 کتاب الصلوة را از امام ابو یوسف رح خوانده و با او در مجلس امام اعظم رض میرفته
 و شاگرد امام زفر رح هم هست و با ابراهیم اد هم رح نیز صحبت داشت ولی در زهد
 و ورع و تقوت و توکل از او در گذرانید . حاتم اصم رح از شاگردان اوست . شقیق باصح

(۱) نام پدر محمد در جواهر مضیه در دو جا (حسن) و در یکجا (حسین) نگاشته شده اول در ترجمه
 سعید ج - ۱ - ص ۲۱۹ - دوم در ترجمه میمون ج - ۲ - ص ۱۸۹ - حسن سوم در ترجمه خود محمد -
 ج - ۲ - ص ۵۱ - حسین نگاشته شده
 ۲ - حفص ابن غیاث در فقه شاگرد امام اعظم و در حدیث شاگرد ابو یوسف و ثوری است امام احمد
 حنبل و غیره از او سمع کرده اند . در [۱۹۴] و بقول سمعی در [۱۹۵ یا ۱۹۶] وفات کرده .
 نواد هیبه ص ۶۸ - سمعی ص ۵۵۷ .

روایات در غزوه کولان بسال (۱۹۴) در عهد خلافت امین پسر هارون رشید
 بعز شهادت رسید و آنچه در (دائره المعارف) علامه فرید وجدی - ج - ۵ -
 ص ۶۰۴ و قاموس الاعلام شمس الدین سامی - ج - ۴ - ص ۲۸۶۳ - و اعلام
 خیر الدین زرکلی - ج - ۲ - ص ۴۱۴ وفات شقیق درسنه ۱۵۳ هـ تصریح
 گشته خلاف تحقیق و سهو کاتب و شاید از رهگذر مسامحه و اهل و تتبع و تحقیق
 باشد. چه غزوه کولان از وقائع سال ۱۹۴ و در او ائمه خلافت همین خلیفه عباسی
 وقوع یافته و مورخین از قبیل سیوطی (۱) در تاریخ الخفا و ابن اثیر در تاریخ کامل
 و عبدالقادر ابن ابوالوفا در جواهر مضیه ابن مطلب را تصریح میکنند که وفات
 و در سال (۱۹۴) بوده چنانچه سیوطی و ابن اثیر شهادت او را در عهد خلافت
 امین می نویسند که در بین سالهای (۱۹۳ - ۱۹۸) بوده و باز ابن اثیر و عبدالقادر
 مؤلف جواهر مضیه شهادت او را در غزوه کولان (۲) می نگارند و غزوه کولان
 از وقائع (۱۹۴) و مقارن خلافت امین واقع گشته چنانچه بیشتر بیان رفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



(۱) رجوع شود به تاریخ الخلفای سیوطی طبع معروض ۱۱۹ - و ابن اثیر ج ۶ - ص ۹۵ - حوادث سال ۱۹۴
 و جواهر مضیه - ج - ۱ - ص - ۲۵۸
 (۲) کولان: که بعضی اشتباها آنرا [کولار] قید نموده بالضم و در آخر الف و نون شهر کوچکی است
 از بلاد برك از توابع ماوراء النهر معجم البلدان - ج - ۷ - ص ۲۰۱